



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

امام سجاد علیہ السلام

سرچشمہ کمالات انسانی

محمد محمدی اشتہار دی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# امام سجاد علیه السلام سرچشمه کمالات انسانی

نویسنده:

محمد محمدی اشتهاردی

ناشر چاپی:

قدس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	امام سجاد علیه السلام سرچشمه کمالات انسانی
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	زینت پرستش کنندگان الهی
۷	توجه عمیق به بینوایان
۸	خوف از حساب روز قیامت
۸	همنشینی با مستضعفان
۹	احترام به نامادری
۹	خشنودی به رضای الهی
۹	پاسخ شدید به طاغوت عراق
۹	دخالت در سیاست
۱۰	راز شهادت امام سجاد علیه السلام
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## امام سجاد علیه السلام سرچشمه کمالات انسانی

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۲-۲۸۲۷۰

سرشناسه: محمدی اشتهاردی، محمد

عنوان و نام پدیدآور: امام سجاد (ع) سرچشمه کمالات انسانی / محمدی اشتهاردی، محمد

منشأ مقاله: ، قدس، (۱۰ مهر ۱۳۸۲): ص ۱۰.

توصیفگر: علی بن حسین (ع)، امام چهارم

توصیفگر: فضائل اخلاقی

### اشاره

امام سجاد (ع) در عین آن که زینت عبادت کنندگان، بزرگمرد عبادت، عرفان و سجده بود، مجاهد بزرگ فی سبیل الله بود، او در عین آن که کانون علم و اندیشه و معرفت بود، تواضع ویژه‌ای داشت، و در عین آن که شکوه و جلال و ابهت خاصی داشت، دارای حلم و بردباری و سعه صدر مخصوصی بود، و در یک کلمه کانون همه کمالات انسانی و ارزش‌های والای معنوی، و زیننده این شعر معروف بود که: رخ زیبا ید بیضا دم عیسی داری آن چه خوبان همه دارند تو تنها داری در این گفتار برآئیم تا به چند نمونه از رفتار آن حضرت در زندگی اشاره کنیم، به این امید که درس‌های سودمند زندگی سالم و سازنده را از شیوه زندگی درخشان آن بزرگمرد فضایل بیاموزیم:

### زینت پرستش کنندگان الهی

آن حضرت با عنوان زین العابدین و سجاد خوانده می‌شود، چرا که او قبل از هر چیز بنده خالص و صالح خدا بود، و سجده‌های طولانی او، هر بیننده را به سوی خدا و پرستش خدا جذب می‌کرد. خداوند در حدیث لوح که آن نامه‌ای از سوی خدا به پیامبر اکرم (ص) است او را چنین معرفی کرده است: «سید العابدین و زین اولیائی الماضین؛ او آقای عبادت کنندگان و زینت اولیای پیشین من است.» یوسف بن اسباط می‌گوید، پدرم گفت: نیمه‌های شب به مسجد رفتم، جوانی را که به سجده افتاده بود دیدم که چنین با خدا راز و نیاز می‌کرد: «سجد وجهی متعفرا فی التراب لخالقی و حق له؛ صورتم خاک آلود، برای آفریدگارم سجده کرد، که خداوند سزاوار سجده است.» به محضرش رفتم، دریافتم امام سجاد (ع) است، صبر کردم تا هوا روشن شد، به نزد ایشان رفتم و عرض کردم: «ای فرزند پیامبر! چرا آن همه به خود زحمت می‌دهی با این که خداوند تو را برتری بخشیده و تو در پیشگاه خدا مقام بسیار ارجمندی داری؟» او با شنیدن این سخن منقلب شده و گریه کرد و فرمود: پیامبر (ص) فرمود: «هنگامی که روز قیامت برپا گردد هر چشمی جز چهار چشم گریان است: ۱. چشمی که از خوف خدا بگرید؛ ۲. چشمی که در راه (جهاد) برای خدا نابینا شده باشد؛ ۳. چشمی که از حرام‌های خدا پوشیده شده باشد؛ ۴. چشمی که شب تا صبح در حال سجده بیدار باشد...» عبادت امام سجاد (ع) پرستش کاملاً آگاهانه و بسیار عمیق بود، او با لذت و شیفتگی مخصوص، آمیخته با عرفان کامل، خدا را عبادت می‌کرد. ارتباط و پیوند او با خدا به گونه‌ای بود که روایت شده: شبی برای عبادت برخاست، هنگام وضو، چشمش به ستارگان آسمان افتاد، و هم چنان به ستارگان می‌نگریست، و در اندیشه آفریدگار و آفرینش آنها فرو رفت، حیران و بهت زده در حالی که دستش در

آب بود، به آسمان چشم دوخته بود تا صدای اذان صبح را شنید. فاطمه (س) یکی از دختران امیرمومنان علی (ع) از جابر بن عبدالله انصاری تقاضا کرد که نزد امام سجاد (ع) برود، به عنوان دل سوزی از آن حضرت بخواهد که جانش را از آسیب عبادت بسیار حفظ کند، زیرا او بر اثر عبادت بسیار، از ناحیه بینی و سر زانو‌ها و کف دستها و پیشانی، آسیب سختی دیده بود، جابر نزد امام سجاد (ع) رفت و آن حضرت را از تحمل آن همه رنج طاقت فرسا در عبادت بر حذر داشت. امام سجاد (ع) به او فرمود: «ای همنشین رسول خدا (ص)! جدم رسول خدا (ص) آن قدر عبادت کرد که پاهایش ورم کرد، شخصی به او عرض کرد: چرا آنقدر به خود رنج می‌دهی؟ فرمود: «افلا اکون عبداً شکورا؛ آیا بنده سپاسگزار خدا نباشم.» جابر به امام سجاد (ع) عرض کرد: «جان عزیزت در خطر است، کم تر خود را در فشار قرار بده.» امام سجاد (ع) فرمود: «یا جابر لا ازال علی منهاج ابوی موتسیاً بهما حتی القاهما؛ ای جابر همواره راه پدرانم (پیامبر و علی) را می‌پیمایم، و آنها را الگو قرار می‌دهم تا به آنها پیوندم.» صحیفه سجادیه، یکی از نمادهای عرفانی و زاینده اندیشه‌های معرفت شناسی امام سجاد (ع) است که به عنوان زبور آل محمد (ص) شناخته شده، و با مطالعه آن، می‌توان به عظمت بی‌کران پرستش آگاهانه آن بزرگوار واقف شد.

### توجه عمیق به بینوایان

امام سجاد (ع) به تامین معاش زندگی افراد بی بضاعت و مستمند، توجه عمیق و اقدام همه جانبه داشت، علاوه بر این که با نظم خاصی از صد خانواده فقیر مدینه به طور مستمر سرپرستی می‌کرد، به بینوایان دیگر نیز توجه داشت، او نان و آذوقه را در انبان می‌کرد و خودش آن را بر دوش می‌گرفت و به صورت ناشناس و محرمانه برای آنها می‌برد، نیازمندان هرگاه او را می‌دیدند به همدیگر می‌گفتند صاحب الجراب (صاحب انبان) آمد. آن بزرگوار وقتی که فقیر را می‌دید نه تنها با نظر خشمگین یا تحقیر آمیز به او نگاه نمی‌کرد، بلکه با شادمانی می‌گفت: «مرحبا بمن یحمل زادی الی الاخره؛ آفرین به کسی که توشه مرا به سوی آخرت حمل می‌کند.» یکی از شخصیت‌های عصر آن حضرت به نام زهری می‌گوید: در یک شب سرد و تاریک زمستانی امام سجاد (ع) را دیدم؛ بار آرد و هیزم بر پشت گرفته بود و عبور می‌کرد، پرسیدم: این بار چیست؟ فرمود: قصد سفر دارم، این توشه راه سفر است که آماده کرده‌ام تا به محله حریر بیرم. غلام خود را به آن حضرت معرفی نمودم و عرض کردم: «شما زحمت نکشید، این غلام من است که آن بار شما را حمل می‌کند.» فرمود: نه. عرض کردم: پس اجازه بدهید خودم آن را حمل کنم، فرمود: «من زحمتی را که موجب نجات من در سفر خواهد شد، و پیمودن راه سفر مرا نیکو کند، از خود دور نمی‌کنم.» پس از چند روزی او را در مدینه دیدم، پرسیدم شما فرمودید به مسافرت می‌روم، پس چرا مسافرت نکردی؟ فرمود: ای زهری، منظورم از مسافرت، آن سفری که تو گمان کردی نبود، بلکه منظورم سفر مرگ بود که خود را برای آن آماده می‌ساختم، آن گاه فرمود: «انما الاستعداد للموت تجنب الحرام و بذل الندی فی الخیر؛ همانا آمادگی برای سفر مرگ، اجتناب از کارهای حرام، و بخشش عطایای نیک به مردم است.» آن حضرت بر همین اساس از بیماران عیادت می‌کرد، و اگر با خبر می‌شد که آنها مقروض هستند، قرض آنها را ادا می‌نمود، چنان که روایت شده شنید که «محمد بن اسامه» بیمار و بستری شده، به عیادتش رفت، وقتی فهمید او مقروض است و دوست دارد قبل از مرگش، قرض‌هایش پرداخته شود، همه قرض‌های او را برعهده گرفت و پرداخت. پس از آن که آن بزرگوار مهربان، به شهادت رسید، هنگامی که پیکر پاکش را غسل می‌دادند، خراش‌هایی در پشت مبارکش دیدند، بعضی از حاضران از علت آن پرسیدند، یکی از حاضران پاسخ داد: «این سیاهی‌ها و خراش‌ها از آثار انبان‌های طعام است که آن حضرت آن را به طور مکرر حمل می‌کرد و به خانه مستمندان می‌برد، و نیز از آثار آب کشی آن حضرت از چاه است که برای همسایگان، از آن چاه آب می‌کشید، و اینک جای طناب آب کشی در پشتش باقی مانده است.»

## خوف از حساب روز قیامت

امام سجاد (ع) در طول زندگی برای انجام مناسک حج و عمره بسیار به مکه می‌رفت، با این که فاصله بین مدینه و مکه حدود هشتاد فرسخ است، آن حضرت برای انجام عبادت بزرگ حج، گاهی این راه را پیاده می‌پیمود، و از این که برای انجام عبادت خدا، رنج می‌کشید، لذت می‌برد. آن بزرگوار بیست بار (و به نقلی ۲۲ بار) سوار بر شترش شده و به مکه می‌رفت، و پس از انجام مراسم عمره یا حج، به مکه باز می‌گشت، او در این مدت حتی یک بار تازیانه بر شترش نزد، هرگاه می‌خواست شترش تندتر حرکت کند، تازیانه‌اش را بر بالای سر شتر به حرکت در می‌آورد، و می‌فرمود: «لولا- خوف القصاص لفعلت؛ اگر ترس قصاص قیامت نبود، با زدن تازیانه بر شتر، آن را به تند حرکت کردن وادار می‌کردم.» با توجه به فاصله بین مکه و مدینه که حدود هشتاد فرسخ بود، نتیجه می‌گیریم که بیست بار رفتن و بازگشتن آن حضرت معادل ۳۲۰۰ فرسخ خواهد شد، آن بزرگوار در تمام طول این مدت با این که تازیانه در دستش بود، از خوف قصاص قیامت، حتی یک بار تازیانه‌اش را بر شترش نزد، با این که شتر در میان مرکب‌ها به پوست کلفتی معروف است، و تازیانه زدن به آن، رنجش چندانی برای او نخواهد بود. در صفحه دیگری از زندگی امام سجاد (ع) می‌خوانیم: او یکی از غلامان آزاد کرده‌اش را سرپرست رسیدگی به مزرعه‌ای نموده بود، روزی برای دیدن آن مزرعه به آن جا رفت مشاهده کرد که بر اثر سهل انگاری غلام آسیب فراوانی به آن مزرعه وارد شده است، ناراحت شد و برای تنبیه غلام، یک بار تازیانه‌ای به او زد. پس از این کار پشیمان شد، وقتی که آن حضرت به خانه بازگشت، شخصی را نزد آن غلام فرستاد تا او را به حضورش بیاورد، آن شخص پیام امام را به او ابلاغ کرد، غلام به محضر امام سجاد (ع) آمد، دید امام خود را برهنه کرده، و تازیانه‌اش را پیش رویش انداخته است. غلام گمان برد که امام می‌خواهد او را مجازات کند، از این رو به شدت ترسید، ولی ناگاه دید امام سجاد (ع) آن تازیانه را برداشت و به غلام داد و فرمود: «ای مرد امروز کاری از من در مورد تو سرزد که سابقه نداشت، لغزشی بود که رخ داد، اینک این تازیانه را بگیر و همان گونه که به تو زدم به من بزن و از من قصاص کن.» غلام گفت: سوگند به خدا جز این گمان نداشتم که مرا مجازات کنی که سزاوار آن هستم، تا چه رسد به این که من از تو قصاص کنم. امام سجاد (ع) فرمود: عزیزم! تازیانه را بردار و قصاص کن، غلام گفت: معاذالله! هرگز چنین نکنم، تو را (اگر لغزشی بود) بخشیدم. این گفت و گو به طور مکرر بین امام سجاد (ع) و آن غلام رد و بدل شد، هنگامی که امام (ع) دید آن غلام از قصاص کردن خودداری می‌کند به او فرمود: «اما اذا ابیت فالضیعه صدقه علیک؛ هان آگاه باش اکنون که از قصاص خودداری می‌کنی آن مزرعه را به تو انفاق کردم، مال تو باشد.» سپس امام سجاد (ع) آن مزرعه را در اختیار آن غلام گذاشت.

## همنشینی با مستضعفان

از شیوه‌های زندگی امام سجاد (ع) این که: بسیار متواضع بود، نه تنها از همنشینی با تهیدستان و مستضعفان عار نداشت، بلکه مشتاقانه در کنار آنها می‌نشست و همچون دوست صمیمی با آنها هم صحبت می‌شد، بعضی این روش را از آن حضرت نپسندیدند، و از نشست و برخاست آن حضرت با طبقه پایین دست، انتقاد کردند، امام سجاد (ع) در پاسخ آنها فرمود: «انی اجالس من انتفع بمجالسته فی دینی؛ من با کسی همنشین می‌شوم که از مجالست او به نفع دینم بهره‌مند گردم.» یک روز امام سجاد (ع) سوار بر مرکب از راهی می‌گذشت چشمش به جمعی از بیماران جذامی که در کنار هم نشسته بودند و غذا می‌خوردند افتاد، آنها وقتی که امام را دیدند او را دعوت به خوردن غذا کردند. امام (ع) آن روز را روزه بود، به آنها فرمود: «اگر روزه نبودم، در کنار سفره شما می‌نشستم.» امام سجاد (ع) آن روز به خانه خود بازگشت، دستور داد غذای مطبوعی آماده کردند، آن گاه همه آن جذامیان را به خانه خود دعوت کرد، آنها به خانه آن حضرت آمدند، امام (ع) در کنار آنها نشست و با هم از غذا خوردند.



## احترام به نامادری

امام سجاد (ع) مادرش را به هنگامی که نوزادی بیش نبود از دست داد. از این رو، بانویی پرستاری آن حضرت را بر عهده گرفت و به عنوان نامادری در حفظ آن حضرت کوشید، امام سجاد (ع) وقتی که بزرگ شد، با نامادری‌اش در یک کاسه غذا نمی‌خورد، شخصی از آن حضرت پرسید: «با این که شما مادرت (نامادریت) را دوست داری، چرا در یک کاسه با او غذا نمی‌خوری؟» آن حضرت در پاسخ فرمود: «انی اکره ان تستبق یدی الی ما سبقت الیه عینها فاکون عاقا لها؛ من دوست ندارم که دستم به لقمه‌ای سبقت گیرد که چشم مادرم به آن سبقت گرفته است، آن گاه جفاکار نسبت به مادرم گردم.» به راستی وقتی که آن حضرت به نامادری این گونه احترام می‌گذاشت، برای مقام مقدس مادر چقدر ارج و ارزش قائل بود؟!

## خشنودی به رضای الهی

امام باقر (ع) نقل کرد، پدرم امام سجاد (ع) فرمود: دچار بیماری سختی شدم، پدرم به من فرمود: چه میل داری؟ گفتم: میل دارم به گونه‌ای باشم که در برابر تدبیر و خواست خدا، خواسته دیگری نداشته باشم. پدرم فرمود: «احسنت ضاهیت ابراهیم الخلیل؛ احسن و آفرین که به ابراهیم خلیل (ع) شباهت یافته‌ای.» در آن هنگام که دشمنان می‌خواستند او را به درون آتش شعله ور بيفکنند، جبرئیل نزد او آمد و گفت: آیا حاجتی داری؟ ابراهیم (ع) گفت: «لا- اقترح علی ربی، بل حسبی الله و نعم الوکیل؛ در برابر مقدرات پروردگارم چیز دیگری درخواست نمی‌کنم، بلکه خدا مرا کفایت می‌کند، و او پشتیبان خوبی است.»

## پاسخ شدید به طاغوت عراق

امام سجاد (ع) در تمام مصائب کربلا و اسارت، شرکت داشت، و سخت‌ترین و جانکاه‌ترین حوادث را تحمل کرد، او و همراهانش را به صورت اسیر، در کوفه به مجلس عیدالله بن زیاد حاکم عراق که طاغوتی سنگدل و بی‌رحم بود وارد نمودند. عیدالله پس از گستاخی‌های بسیار بی‌شرمانه متوجه امام سجاد (ع) شد، و گفت: «این شخص کیست؟» یکی از حاضران گفت: علی بن حسین (ع) است. عیدالله گفت: مگر خداوند علی پسر حسین (ع) را نکشت؟ امام سجاد (ع) فرمود: من برادری به نام علی بن حسین (ع) [علی اکبر] داشتم، مردم او را کشتند. عیدالله با خشونت گفت: «بلکه خدا او را کشت.» امام سجاد (ع) فرمود: «الله یتوفی الا نفس حین موتها؛ خداوند جانها را هنگام مرگشان، قبض می‌کند.» عیدالله گفت: آیا تو جرئت پیدا کرده‌ای پاسخ مرا می‌دهی؟ سپس به ماموران جلادش گفت: برخیزید و گردنش را بزنید. حضرت زینب (س) به دفاع برخاست، و پس از گفتاری، خطاب به عیدالله فرمود: «اگر بنا است علی بن حسین (ع) را بکشی، مرا نیز با او بکش.» در این هنگام امام سجاد (ع) به عمه‌اش زینب (س) فرمود: آرام باش، تا من با عیدالله سخن بگویم، سپس به عیدالله رو کرد و با صلابت و قاطعیت فرمود: «بالقتل تهددنی یابن زیاد اما علمت ان القتل لنا عاده، و کرامتنا الشهاده؛ ای پسر زیاد! آیا مرا به کشتن تهدید می‌کنی و می‌ترسانی، آیا نمی‌دانی که کشته شدن عادت ما است، و شهادت مایه‌ی کرامت و سرافرازی ما می‌باشد؟!»

## دخالت در سیاست

ماجرای نهضت کربلا، یک حادثه بزرگ سیاسی بود، امام سجاد (ع) در پیدایش آن و ابلاغ پیام شهیدان و پی‌گیری نتایج نهضت نقش اصلی را داشت، آن حضرت پس از ماجرای خونین عاشورا، چه هنگام اسارت، و چه هنگام بازگشت به مدینه، در هر فرصتی مردم را بر ضد طاغوت عصر، یزید بن معاویه می‌شوراند، خطبه غرا و کوبنده او در شام، یزید و حکومتش را رسوا نمود، و ماهیت

پلید حکومت خودکامه او را افشا کرد، با این که در جو خفقان آن عصر، حتی ذکر نام حسین (ع) ممنوع بود، به دستور آن حضرت در نگین انگشترش چنین نوشته بودند: «خزی و شقی قاتل الحسین بن علی علیه السلام؛ رسوا و بدبخت شد قاتل حسین پسر علی (ع)». آن حضرت چهل سال، مصائب پدرش امام حسین (ع) را یاد می کرد و می گریست، هنگام غذا خوردن، دست از غذا می کشید، می گفتند بفرمایید غذا میل کنید، در پاسخ می فرمود: «قتل ابن رسول الله جائعاً، قتل ابن رسول الله عطشاناً؛ حسین (ع) فرزند رسول خدا (ص) گرسنه و تشنه کشته شد.» کوتاه سخن آنکه آن حضرت اکثر بهره برداری را از نهضت امام حسین (ع) به عناوین گوناگون بر ضد طاغوت‌های وقت نمود. پس از بنی امیه، هنگامی که خلفای بنی مروان روی کار آمدند، موضع گیری امام سجاد (ع) در برابر آنها نیز نوع دیگری از رودر رویی شدید در برابر طاغوتیان بود. آن حضرت قیام مختار بر ضد بنی امیه را تایید کرد و با صراحت فرمود: «لا تسبوا المختار فانه قتل قتلتنا و طلب ثارنا؛ از مختار بدگویی نکنید، چرا که او قاتلان ما را کشت، و به خون خواهی از ما قیام کرد.» آن حضرت قبل از قیام انقلابی پسرش «زید» که بر ضد حکومت هشام بن عبدالملک (دهمین طاغوت اموی) رخ داد، قیام او را تایید می کرد و می فرمود: «پدرم از پدرش امیرمومنان علی (ع) نقل کرد در پشت کوفه مردی قیام کند که او را «زید» می گویند... او و یارانش در قیامت با شکوهی بسیار با عظمت در کنار مردم عبور کنند، و فرشتگان به آنها اشاره کرده و می گویند: اینها جانشینان صالحان پیشین و دعوت کنندگان به حق هستند، آن گاه رسول خدا (ص) از آنها استقبال کند و خطاب به زید می فرماید: ای فرزندم! شما مسوولیت خود را به انجام رساندید، اکنون بدون حساب، وارد بهشت شوید.»

### راز شهادت امام سجاد علیه السلام

موضع گیری‌های قاطع و پر صلابت امام سجاد (ع) در برابر هشام بن عبدالملک (دهمین خلیفه اموی) و عظمت روز افزون امام (ع) در میان مردم، به ویژه در میان مردم حجاز موجب شد که هشام به قتل امام سجاد (ع) کمر بست، برادر او ولید بن عبدالملک، به دستور او، آن حضرت را مسموم کرده و به شهادت رساندند. آن بزرگوار به جرم دفاع از حیثیت اسلام، و مبارزه با طاغوت‌های اموی و مروانی، شهد شهادت نوشید، چند روز در بستر شهادت آرمیده بود، معالجات سودی نبخشید، او در لحظه آخر عمر همان وصیت پدرش را بازگو کرد و فرمود: هنگامی که پدرم امام حسین (ع) وفات کرد، ساعتی قبل مرا به سینه اش چسبانید و فرمود: «یا بنی ایاک و ظلم من لایجد علیک ناصر الا-الله؛ ای پسر جانم! پرهیز از ستم کردن بر کسی که یآوری برای انتقام تو، جز خدا ندارد.» نیز به پسرش امام باقر (ع) فرمود: پسر من! تو را به همان سخن وصیت می کنم که پدرم هنگام شهادت مرا به آن وصیت کرد: «یا بنی اصبر علی الحق و ان کان مرا؛ ای پسر جان! در راه حق صبور و مقاوم باش گرچه تلخ و رنج آور باشد.» به این ترتیب آن امام همام بعد از نهضت عظیم امام حسین (ع) پس از حدود ۳۵ سال مبارزه به صورت‌های گوناگون، در ۷۵ سالگی به لقاء الله پیوست، و با خون سرخ خود پای نهضت خونین پدرش را امضاء کرد. او در فرازی از صحیفه سجادیه که از گنجینه‌های بزرگ معارف و عرفان است و از او به یادگار مانده، به درگاه خدا چنین عرض می کند: «اللهم انی اعتذر الیک من مظلوم ظلم بحضرتی فلم انصره؛ خدایا! من از پیشگاه تو عذرخواهی می کنم در مورد مظلومی که در برابر من به او ستم شده، و من به یاری او نشتافته‌ام.» «خدایا! به من دست و نیرویی ده تا بتوانم بر کسانی که به من ستم می کنند پیروز شوم، و زبانی عنایت فرما تا در مقام احتجاج و استدلال بر مخالف چیره شوم، و اندیشه‌ای ده تا نیرنگ فکری دشمن را درهم شکم، و دست ستمگران را از تعدی و تجاوز، کوتاه سازم.»

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

